

بنا بر این حل اشکال و جواب سؤال بجنک دامنه دارماتر بالیستی و ایدآلیستی
خاتمه خواهد داد !!

لیکن ما برای آنکه مطالب مکرر نشود فعلا توجه خوانندگان گرامی را
به مبحث « روانشناسی آزمایشی و معرفه الروح نظری » همین کتاب معطوف میداریم
زیرا آنچه در آن باب بیان نموده ایم برای جواب این سؤال کفایت میکند (وزودا که
در باب: رؤبا از نظر مذهبی - کاملا حل اشکال شود) . انشتن و پبروان او بخوانند
متفکرین جهان بدانند =

در این کتاب « دین و دناش » که تا حد امکان مطالب آن فشرده و خلاصه
شده است ما از راه طرح قوانین عقلی و شرح نوامیس طبیعی : کلیه مشکلات ادیان
و علوم را حل نموده ایم (تا فرق باشد بین متحیر قرن بیستم و متفکر عصراتم !!)
۳ - رؤبا از نظر مذهب -

قال نجیب الله ص « الرؤبا ثلاثة : رؤبا بشری من الله و رؤبا تحزین
من الشيطان و رؤبا يحدث بها الانسان نفسه فیراها فی المنام !!! »
این حدیث شریف نبوی (س) که از مقام عقل کل = ختم رسل عز صدور یافته
ظاهراً رؤبا را سه قسم مینماید ۱ - رحمانی ۲ - شیطانی ۳ - نفسانی .

لکن حقیقت امر این است که رؤبا دوبار تقسیم میشود باین طریق =

رؤبا یا جنبه انشائی دارد یا وجه اخباری ، قسم دوم « اخباری » نیز با نباه
از لاهوت (رحمانی) میباشد - یا خبر از ناسوت « شیطانی » .

پس باز میگردیم و جمیع اقسام را و بعکس این ترتیب (طبق حدیث شریف)
میگوئیم = رؤبا سه قسم است ۱ - رحمانی ۲ - شیطانی ۳ - نفسانی (ملکوتی ، ناسوتی
هیرونی !!!)

(تأویل رؤبا)

اکنونکه ماهیت رؤبا را دانسته ، اقسام آنرا نیز شناخته ایم - خوب میتوانیم
بدانیم که چه قسم رؤبا معتبر (قابل تعبیر) میباشد ؟

اما رؤبای ملکوتی و ناسوتی (رحمانی - شیطانی) : هر دو دارای تأویل و

قابل تعبیر هستند (زیرا انبائی « اخباری » میباشند) با این تفاوت اولی مطلق دومی مشروط میباشد .

واما رُبای هپروتی (خیالی) : هیچوجه قابل تعبیر نیست (زیرا انشائی می باشد !!)
 پس معلوم شد که انسان (باعتبار غیب روحانی و شهود جسمانی) هم دارای وجهه عکاسی میباشد هم صاحب جنبه فیاضی =

یعنی هم دستگاہ گیرنده است هم کانون فروزنده . با این تفاوت که انشائیات (بافتنیها) راجع به مغز ، و انبائیات (یافتنیها) مربوط بقلب میباشد .

بتعبیر دیگر - قطبین فعل و انفعال را قلب و مغز تشکیل میدهد نه مغز تنها !!
 تا اینجا با خلاصه بیان .. کلام والامقام .. رسول ملک علام = (حدیث رُبا) -
 سؤال مترلینک را جواب گفته ایم . زیرا با تقسیم رُبا : به انبائی و انشائی - معلوم شد که مغز : هم دستگاہ گیرنده است هم کانون فروزنده !!

باقی میماند اشکال ما - بر نظریه معلم اول =

چه : در ضمن معرفی اقسام رُبا - مسلم شد که نظریه ارسطو داخل در قسم انشائی میشود (که بی اعتباری آن معلوم شد) .

در اینجا علاوه میکنیم که = از ترتیب قیاس مشائی مانر بالیستی ، تا استنتاج اشراقی ابدالیستی - فرق بسیار است =

زیرا - ترتیب قیاس : انشائی (بافتنی) میباشد و از جنبه فیاضی مغز (اراده) سرچشمه میگیرد ، بعکس .. استنتاج : که انبائی (یافتنی) میباشد و از وجهه عکاسی نفس (علم) طالع میگردد . !

(شعر و ذکر)

انشاء در نشاء خلق و مجاز : شعر - انباء از عالم امر و حقیقت : ذکر میباشد .
 بتعبیر دیگر - ذکر : القاء عقل - شعر تلقاء نفس ، ذکر وحی قلب - شعر : و سوسه صدر میباشد !!

لکن اشتباه نشود که شعر .. مقابل ذکر : اعم از نظم و نثر (نه هر نظم شعرونه هر نثر ذکر است !!)